

«اولین وزیر علوم» علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه مدیر دانشمند و توانای دارالفنون

● جعفر ربانی*

اشاره

در میان افراد قاجار، به‌ویژه در میان فرزندان، به افرادی برمی‌خوریم که منشأ خدمات ارزشمندی به رشد و پیشرفت علمی، فنی و ادبی ایران بوده‌اند. از آن میان باید از محمدعلی دولت‌شاه، فرزند ارشد فتحعلی‌شاه نام برد که در عین جوانی صفحات غرب ایران را از تجاوز عثمانی محفوظ نگه می‌داشت، از عباس میرزا که ولیعهد فتحعلی‌شاه بود، اما کوتاهی عمرش مجال نداد به پادشاهی برسد و ما را از فداکاری‌هایش در جنگ‌های ایران و روس و معاهده ترکمانچای دغدغه‌هایش برای ایران می‌شناسیم، و دیگر علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه که مردی دانشمند و نواندیش و علاقه‌مند به رشد و توسعه ایران بود و در این راه از هیچ اقدامی فروگذار نکرد. از آنجا که اعتضادالسلطنه مدتی نسبتاً طولانی مدیریت مدرسه دارالفنون را برعهده داشت و این مدرسه را بیش از پیش ترقی داد، در این نوشتار به شرح حال مبسوط او پرداخته‌ایم.

علیقلی میرزا پنجاه و چهارمین پسر فتحعلی‌شاه بود و از همسری ارمنی - گرجی به نام گل‌پیراهن خانم متولد شد. این خانم دو پسر دیگر به نام‌های عباسقلی میرزا و نورالدین میرزا و دختری به نام خاورسلطان خانم نیز داشت. علیقلی میرزا که در ۱۳ سالگی از پدر یتیم شد، از کودکی به آموختن علاقه نشان می‌داد. همین‌جا باید متذکر شویم که به‌زعم بنده، مادر ارمنی او احتمالاً در این شوق و علاقه و بعداً روشن‌اندیشی پسرش مؤثر بوده است؛ زیرا ارمنیان از دیرباز و دست‌کم از عصر صفویه به این سو به پیشرفت و نوآوری اهتمام بیشتری داشتند. مثلاً آن‌ها بودند که نخستین چاپخانه را در جلفای اصفهان تأسیس کردند که متأسفانه رواجی نیافت و صنعت چاپ دو قرن بعد در عصر قاجار وارد ایران شد.

* محقق و پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت و مؤلف کتاب

دوره ریاست
اعتضادالسلطنه
یکی از
دوره‌های درخشان
دارالفنون بود

باری، علیقلی میرزا را در کودکی به مربی و معلمی به نام میرزا نظر علی حکیم‌باشی سپردند و او طی مدت چند سال خواندن و نوشتن و حساب کردن را آموخت. آنگاه به مطالعه آثار نظم و نثر فارسی پرداخت و همچنین جغرافیا و نجوم و دیگر دانش‌ها را فراگرفت. وی هنگامی به بلوغ عقلی و کفایت و دانایی رسید که عمویش محمدشاه جانشین فتحعلی‌شاه شده بود. پس محمدشاه وی را به کارگزاری و انجام خدمات همسرش، مهدعلیا - مادر ناصرالدین‌شاه - منصوب کرد. چندی بعد هم حکومت خلخال آذربایجان را به وی پیشنهاد کرد که البته علیقلی میرزا به ادامه خدمت نزد ملکه مهد علیا راغب‌تر بود و در نتیجه برادرش عباسقلی میرزا را به حکومت خلخال فرستادند.

از آن سو مهد علیا نیز به علیقلی میرزا بیشتر علاقه‌مند شد؛ به طوری که وقتی محمدشاه در جوانی درگذشت، مهدعلیا به کمک این شاهزاده، مدتی امور کشور را به دست گرفت تا اینکه پسرش ناصرالدین میرزا از تبریز رسید و به نام ناصرالدین‌شاه بر تخت سلطنت نشست:

«چون پادشاه غازی محمدشاه به جنت جاوید خرامید، مهد علیا و ستر کبری از این سانحه هایلله مطلع گردید. از نیاوران تشریف فرمای قصر جدید { کاخ گلستان } شده درصدد حفظ سرای دولت و حوزه مملکت و اصلاح برآمد. به توسط اعتضادالسلطنه شاهزاده علیقلی میرزا ابلاغ احکام در انجام مهم امور می فرمود (خورموجی، ۱۳۴۴: ۳۶). با آمدن ناصرالدین‌شاه و امیرکبیر به تهران، دوره فترتی برای علیقلی میرزا پیش آمد و علتش آن بود که امیرکبیر و ناصرالدین‌شاه او را به خدمت نگرفتند. در نتیجه علیقلی میرزای جوان فرصتی و فراغتی یافت تا تحصیلات خود را ادامه دهد. او معلم باسوادی به نام میرزا عبدالرحیم هروی داشت و نزد وی بسیار چیزها آموخت. همچنین کتابخانه‌ای برای خود ترتیب داد و کتاب‌های ارزنده‌ای را در آن گردآوری کرد. چند سال بیشتر نگذشت که ناصرالدین‌شاه امیرکبیر را برکنار کرد و مدتی بعد هم دستور قتل او را داد. از اینجا کم‌کم بخت علیقلی میرزا بیدار شد و به تدریج مناصب و موقعیت‌هایی به دست آورد. هنوز ۳۸ سال بیشتر نداشت که ناصرالدین‌شاه او را به ریاست دارالفنون منصوب کرد و به او لقب «اعتضادالسلطنه» داد:

«روز عید سعید نوروز فیروز این سال (۱۲۷۲ ق)، شاهزاد علیقلی میرزا که از همگان الیق و اکفی و در فنون علوم ماهر و داناست به اعتضادالسلطنه ملقب گردید» (خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۶۳).

دوره ریاست اعتضادالسلطنه یکی از دوره‌های درخشان دارالفنون بود. عبدالله مستوفی می‌نویسد:

«انصاف را، باید گفت که تا علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، پسر فتحعلی‌شاه، زنده بود و به وزارت علوم و ریاست مدرسه دارالفنون باقی بود، کار فرهنگی پیشرفت بسزایی داشت. مواظبت این شاهزاده دانشمند در کار دارالفنون و نفوذ او در مزاج شاه و مقام اجتماعی

آنچه اعتضادالسلطنه
را از دیگر مردان
دوره قاجار
تمایز می‌سازد،
دانش عقلی
و بینش علمی او بود

او نزد عامه، کمک مادی و معنوی زیادی به بسط دانش و بینش در کشور می‌نمود»
(مستوفی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۶).

در واقع همین نفوذ اعتضادالسلطنه در شاه بود که موجب شد به شاه توصیه کند بعضی از فارغ‌التحصیلان دارالفنون را برای تکمیل تحصیلات به اروپا بفرستد.
از وزارت علوم هم بگوییم. می‌دانیم اولین پادشاهی که در ایران وزارت به معنای جدید ایجاد کرد، ناصرالدین‌شاه بود. یکی از شش وزارتخانه‌ای که او تأسیس کرد، وزارت علوم بود که به سال ۱۲۷۶ قمری تأسیس شد. ناصرالدین‌شاه با شناختی که از اعتضادالسلطنه داشت او را به وزارت علوم برگماشت که در ضمن ریاست بر دارالفنون این وزارت را نیز پیش می‌برد. او به مدت ۲۲ سال به عنوان اولین وزیر علوم ایران خدمت کرد و در این مدت خدمات بسیار انجام داد. شادروان اقبال یغمایی که تحقیق ارزشمندی درباره زندگی اعتضادالسلطنه انجام داده است می‌نویسد:

«در همین زمان اعتضادالسلطنه چند روزنامه تأسیس کرد و مقالاتی به زبان فرانسه در آن‌ها انتشار داد. فرستادن دانشجوی به اروپا را ادامه داد و برای آشنایی جوانان با تمدن جدید کوشش‌ها کرد. در دارالفنون آزمایشگاه مجهزی ایجاد کرد و معلمان فیزیک و شیمی طبیعی را به تهیه برخی مواد شیمیایی در کشور برانگیخت (یغمایی، ۱۳۶۷: ۱۷-۱۶).
آنچه اعتضادالسلطنه را از دیگر مردان دوره قاجار متمایز می‌سازد، دانش عقلی و بینش علمی او بود. نوشته‌اند که او مجذوب ایده‌های دوره روشنگری اروپا- یعنی قرن هفدهم- بود و سعی می‌کرد آن ایده‌ها را در ایران اشاعه دهد. او مردی صاحب قلم بود و آثار علمی چندی نیز تألیف کرد که در پایان به آن اشاره خواهیم کرد. اما همین‌جا باید بگوییم که وقتی در ایران هیچ‌کس از دانشمندانی چون گالیله، نیوتن و دیگر پیشروان نجوم جدید اسمی هم نشنیده بود، اعتضادالسلطنه کتابی درباره نظریه‌های نیوتن به فارسی نوشت. همچنین با چندتن دیگر کتاب معروف دکارت به نام «گفتار در روش» را به فارسی ترجمه کرد.

اما شاید از این‌ها مهم‌تر این بود که او رسمیت اعتقاد به سعد و نحس از طریق نجوم را لغو کرد که خود گام بزرگی در راه مبارزه با خرافات بود. کتابی که اعتضادالسلطنه درباره تحقیقات نیوتن نوشت، «فلک السعاده» نام دارد و معرف فکر علمی خودش است. او این کتاب را بر پایه تحقیقات نیوتن و با توجه به آرای دانشمندان ایرانی، مثل بیرونی و فارابی نوشت. در این کتاب، اعتضادالسلطنه «احکام نجومی را سر به سر بی‌معنی می‌داند. معتقد به اصالت عمل و اختیار آدمی است و دشمن خرافات پرستی. می‌گوید: کواکب کیهانی، خواه بنا بر هیئت غلط بطلمیوسی و خواه به اعتقاد حرکت ارض بنا بر هیئت جدید صحنه، در هیچ‌گونه حوادث زمینی مؤثر نیستند و اساساً اختلافی در طبع اجرام (سماوی) فی حد ذاته نیست. در واقع احکام منجمان جز اقاویل کاذبین و اساطیرالاولین نیست... این احکام نجوم و اخبار رمال و جفار (رمل و جفر) کذب محض و محض کذب است»
(آدمیت، ۱۳۵۶: ۲۳).

اعتضادالسلطنه به حدی براین حرف خود مصر بود که دستور داد در روزنامه رسمی بنویسند که «منجمین باید خرافات قدیم را از حواشی برداشته، حواس ناس را در اغتشاش و اضطراب نگذارند.» اهمیت کار اعتضادالسلطنه در انتشار این کتاب به اندازه‌ای بود که صاحب‌نظران می‌گویند دو کتاب در عهد ناصرالدین‌شاه زمینه تحول عقلانی جامعه ایران را فراهم کرد: یکی «فلک‌السعادة» و دیگری کتاب «حکمت ناصریه» یا «کتاب دیاکرت» که همان رساله نامدار دکارت «گفتار در روش به کار بردن عقل» بود (پیشین، ۱۷).

□ نامه دانشوران

به نظر من اگر درباره اعتضادالسلطنه به جز اهتمام او در تهیه «نامه دانشوران» هیچ چیز دیگر گفته نشود، همین گویای منزلت علمی و بینش مترقیانه او خواهد بود. لذا در اینجا به اختصار در این باره توضیح می‌دهیم.

اگر بخواهیم در یک جمله این اثر را معرفی کنیم باید بگوییم، نامه دانشوران اولین دایرةالمعارف فارسی به سبک اروپایی بود که اعتضادالسلطنه دستور تألیف آن را داد. تألیف نامه دانشوران را چهار تن از فضلاء برجسته عصر قاجار، به نام‌های شمس‌العلماء عبدالرب آبادی، میرزا ابوالفضل ساوجی، میرزا حسن طالقانی و عبدالوهاب قزوینی (پدر علامه محمد قزوینی) به دستور اعتضادالسلطنه برعهده گرفتند؛ و البته همکاری را هم در اختیار داشتند.

این مجموعه که در هفت جلد و تا حرف شاه نعمت‌الله ولی منتشر شد و ناتمام ماند، شامل شرح حال دانشوران ایرانی و اسلامی و نتیجه کاری گروهی است. به‌علاوه اولین دانشنامه‌ای است که به‌صورت الفبایی تنظیم شده و تا حد زیادی از استانداردهای یک دایرةالمعارف نوین برخوردار است. ملک‌الشعرای بهار گفته است: «جلد یکم این کتاب شاهکاری از نثر فنی است.» شایان ذکر است که این مجموعه در سال ۱۳۳۸ ش با مقدمه حجة‌الاسلام سیدرضا صدر (برادر امام موسی صدر) بار دیگر در قم به چاپ رسید.

□ خدمات فنی مهندسی اعتضادالسلطنه

درباره خدمات علمی و آموزشی اعتضادالسلطنه گفتیم و حال از گام‌های بزرگ او در کشیدن خطوط تلگراف می‌گوییم. هنگامی که ناصرالدین‌شاه به اهمیت تلگراف پی برد، به اعتضادالسلطنه دستور داد، به همراه



اعتضادالسلطنه

اعتضادالسلطنه
مردی نویسنده،
ادیب و مورخ نیز
بود و به شاعران،
علما و دانشمندان
احترام می‌گذاشت

میرزا ملکم خان و موسیو کرشش اتریشی - معلم دارالفنون - یک خط تلگراف در تهران دایر کند. اعتضادالسلطنه این کار را انجام داد و میان کاخ گلستان تا باغ لاله‌زار که چند صد متر بیشتر نبود، خط تلگراف کشید. **میرزا جعفر خورموجی** این کار بزرگ را به اختصار چنین شرح داده است:

«و هم در شهر رمضان این سال نیکو مآل، احداث عمل تلگراف که از غرایب صنایع روزگار است، به مراقبت و اهتمام شاهزاده علیقلی میرزای اعتضادالسلطنه و به تعلیم و متصدگری موسیو کرشش، معلم توپخانه، به انجام رسید. از اتاق نقاشی‌خانه که در جنب ایوان بزرگ ایوان‌خانه پادشاهی واقع است، الی عمارت فوقانی باغ لاله‌زار، سیم تلگراف کشیده، سؤال و جواب در کار آمد» (خورموجی، ۱۳۴۴: ۲۳۶).

این اقدام آغاز خطوط تلگراف بیشتری شد که بعداً علیقلی‌خان، نخست بین تهران و سلطانیه (زنجان) و سپس بین سلطانیه و تبریز، و در ادامه بین بوشهر تا جلفا کشید. باید دانست که در کشیدن تلگراف بین تهران و سلطانیه، **علیقلی‌خان هدایت** (مخبرالدوله) نیز نقش مهمی ایفا کرد که به همین دلیل ناصرالدین‌شاه به او لقب مخبرالدوله داد و او را به وزارت پست و تلگراف منصوب کرد. سپس ریاست دارالفنون را هم به او داد.

■ اشراف‌زادهٔ ادیب

اعتضادالسلطنه مردی نویسنده، ادیب و مورخ نیز بود و به شاعران، علما و دانشمندان احترام می‌گذاشت و با آن‌ها نشست و برخاست داشت. خودش نیز شعر می‌سرود و از شاعرانی چون **سروش اصفهانی** و **قآنی شیرازی** حمایت می‌کرد. کسان دیگری هم مورد توجه و عنایت او بودند که می‌توان از **یغمای جندقی**، **میرزا طاهر اصفهانی**، **میرزا عبدالرحیم هروی**، **میرزا احمد طبیب کاشانی** و نیز **ملاعلی محمد اصفهانی** (ریاضی‌دان) نام برد. نکته قابل توجه این است که اگر چه رابطهٔ اعتضادالسلطنه در اوایل جوانی با امیرکبیر حسنه نبود، اما اعتضادالسلطنه درست قدم در همان راهی گذاشت که امیرکبیر می‌خواست و این را در ادارهٔ مدرسه دارالفنون به‌خوبی به اثبات رساند. وی حتی از امیرکبیر یاد می‌کرد و او را مسبب آبادانی ایران می‌دانست.

گفتیم ایشان کتابخانه‌ای داشت که به مدرسهٔ دارالفنون بخشید. اما کتابخانهٔ دیگری هم به‌وجود آورد که از ارزش بسیاری برخوردار بود. پس از مرگش **میرزا حسین خان سپهسالار** این کتابخانه را خرید و جزو مدرسهٔ خود، یعنی مدرسهٔ سپهسالار - که امروز شهید مطهری می‌نامند - گردانید که اکنون در آنجا نگهداری می‌شود.

■ پایان کار

اعتضادالسلطنه عمری طولانی نکرد. از علت مرگش چیزی نمی‌دانیم، ولی می‌دانیم که او در شب عاشورای سال ۱۲۹۸ قمری - در سن ۶۱ سالگی به تقویم شمسی - درگذشت و

پیکرش را در صحن شمالی حرم حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند. از او تنها یک پسر باقی ماند به نام محمدحسن میرزا که لقب معتضدالسلطنه یافت و مدتی حاکم گلپایگان و خوانسار بود (آل داود، ۱۳۷۳: ۳۵۲).

□ آثار

از اعتضادالسلطنه آثار نوشتاری زیادی به جای مانده است که با وجود کارهای اجرایی که او برعهده داشت، موجب شگفتی است. سیدعلی آل داود که شرح مستوفایی از زندگی اعتضادالسلطنه را در «دایرةالمعارف بزرگ اسلامی» به رشته تحریر کشیده، ۱۸ جلد کتاب و چند روزنامه از اعتضادالسلطنه معرفی کرده است که ما در پایان تعدادی از آن‌ها را به اختصار معرفی می‌کنیم:

۱. «اکسیر التواریخ» در دو جلد که جلد اول آن تاریخ ایران از عهد اساطیری تا پایان دوره زندیه، و جلد دوم آن تاریخ پادشاهان قاجار است.
۲. «المتبیین» (متنبی‌ها یا پیامبران دروغین) در شرح زندگی مدعیات نبوت: مثل مانی، مزدک، به‌آفرید و سیدعلی محمد باب.
۳. «فلک السعاده» در رد سخنان کاهنان و منجمان.
۴. «تاریخ وقایع و سوانح افغانستان» که نخستین کتاب در نوع خود در ایران است.
۵. ترجمه یک فصل از «آثارالباقیه» ابوریحان بیرونی.
۶. جغرافیای مازندران.
۷. رساله در شرح رصدخانه مراغه که حاصل بازدید او از آثار بازمانده از رصدخانه است.
۸. سرگذشت امامزادگان شهرری، حضرت عبدالعظیم و امامزاده عبدالله.
۹. رساله در وقف‌های لازم در قرآن.
۱۰. نامه دانشوران که شرح آن گذشت.

ضمناً اعتضادالسلطنه چند روزنامه هم در دوران تصدی وزارت علوم تأسیس کرد که عبارت بودند از: «روزنامه ملت سنیه ایران»، «روزنامه ملتی» و «روزنامه علمیه دولت علیه ایران».

منابع

۱. آدمیت، فریدون (۱۳۵۶). اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار. انتشارات خوارزمی. تهران. چاپ دوم.
۲. (۱۳۵۵). ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران (ج ۱). انتشارات پیام. تهران. چاپ اول.
۳. آل داود، سید علی. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. مدخل اعتضادالسلطنه.
۴. خورموجی، محمد جعفر (۱۳۴۴). حقایق الاخبار ناصری. به کوشش سید حسین خدیوچم نشر نی. تهران.
۵. مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱). شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه (ج ۱). انتشارات زوار. تهران. چاپ پنجم.
۶. یغمایی، اقبال (۱۳۷۵). وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.